

مقاله پژوهشی:

بررسی حقوقی ترور هدفمند و نقض قوانین حقوق بین الملل بشر (مطالعه موردی: ترور هدفمند فرمانده نیروی قدس سپاه)

عباس قدیمی^۱، دکتر سید نصراله ابراهیمی^۲، عبدالحسین صفائی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

چکیده

ترور هدفمند به عنوان یک سیاست معمول در بین برخی دولت‌ها برای پیشبرد اهداف نظامی و امنیتی‌شان تبدیل شده است. ترور هدفمند ممکن است در موقعیت‌ها و شرایط مختلفی رخ دهد که می‌تواند توسط یک دولت در شرایط مشخصات مسلحانه یا صلح رخ دهد. وسیله در این ترور چندان اهمیت ندارد. این مفهوم پس از حوادث و تحولات ۱۱ سپتامبر تغییرات زیادی کرده است. با وجود این که سیاست و ابزار جنگی است که همچنان قانونی و مشروع در حقوق بین الملل محسوب می‌شود اما توسط برخی کشورها مانند آمریکا به عنوان ابزاری تروریستی استفاده می‌شود که در جامعه بین المللی مقبولیتی ندارد.

اکنون این ضرورت وجود دارد که دکترین با رویکرد کاملاً حقوقی موضوع «ترور هدفمند» از منظر حقوق بین الملل بشردوستانه و حقوق بین الملل بشر، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. هدف در کاربرد نظامی آن به شخص یا محل یا شیء مورد حمله گفته می‌شود؛ لذا عمل هدف قرار دادن یعنی هدایت عملیات به سمتی که باید حمله به هدف صورت گیرد. اما مفهوم ترور در ترکیب ترور هدفمند از نظر واژه شناختی همانند ترکیب اعدام فراقضایی و از حیث هدف نیز گرفتن حیات دیگرست که مشترک هستند؛ اما از نظر حقوقی تفاوت‌های مفهومی دارند. اقدام نظامی آمریکا در ترور هدفمند فرمانده نیروی قدس سپاه به صورت آشکار در مغایرت با اصول و شرایط دفاع مشروع بوده و نقض فاحش قواعد حقوق بین الملل و حقوق بشر دوستانه بین المللی است. نهادهای بین المللی باید در پی ضمانت اجرای مناسب برای چنین اقداماتی در سوی آمریکا باشد.

کلیدواژه‌ها: ترور هدفمند، فرمانده نیروی قدس سپاه، حقوق بین الملل بشر، هواپیماهای بدون سرنشین

۱. دانشجوی دکترای تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی پردیس بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت الله آملی.

رایانامه: a.ghadimi133133@gmail.com

۲. دانشیار حقوق بین الملل خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نویسنده مسئول؛ رایانامه:

snebrahimi@ut.ac.ir

۳. استاد یار گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه:

safae.1385@gmail.com

مقدمه

در تابستان ۱۳۹۳، به دنبال هک شدن ایمیل نماینده اقلیم کردستان عراق در ایران، مکاتباتی افشا شد که این مقام با سابقه کرد را در تهران مقابل پرسش رسانه‌ها قرار داد. در این مکاتبات، به یک مقام ایرانی بیش از بقیه اشاره شده بود: "فرمانده نیروی قدس سپاه". این نخستین بار بود که یک مقام ارشد حکومت اقلیم کردستان عراق با صراحت و با جزئیات به نقش تعیین‌کننده فرماندهی می‌پرداخت که سال‌ها پیش رسانه‌های عراق به او لقب «ژنرال بی‌سایه» داده بودند. به نوشته خبرگزاری مهر به نقل از رسانه‌های اقلیم کردستان عراق، در مردادماه ۱۳۹۳، فرمانده نیروی قدس سپاه نسبت به حمله داعش به اربیل هشدار می‌دهد. به دنبال یورش داعش در ۱۶ مرداد ۱۳۹۵، بارزانی از آمریکا و ترکیه تقاضای کمک می‌کند. دو روز بعد، جنگنده‌های آمریکایی در اربیل به پرواز در می‌آیند. این در حالی است که ۴۸ ساعت قبل از پیوستن جنگنده‌های آمریکایی به عملیات دفاع از اربیل، یگانی از نیروهای ویژه به فرماندهی فرمانده نیروی قدس سپاه و بنا به درخواست شخص بارزانی در کنار پیشمرگان کرد در حال نبرد با داعش بودند. به دنبال دفع خطر داعش، مسعود بارزانی شخصاً یک نامه تشکر برای ریاست جمهوری ایران با این مضمون فرستاد که ایران بار دیگر در سخت‌ترین شرایط به دفاع از اقلیم کردستان عراق برخاسته است. در روز پنجشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۹۶ فرمانده نیروی قدس سپاه طی سخنرانی در مراسم چهلمین روز کشته شدن مرتضی حسین پور شلمانی با یادآوری پیامش به مناسبت کشته شدن محسن حججی و وعده انتقام در آن، بیان داشت که کمتر از سه ماه دیگر اعلام پایان داعش و حکومت داعشی در این کره خاکی خواهد بود. دو ماه بعد و در پایان آبان ۹۶ فرمانده نیروی قدس سپاه در پیامی به رهبر جمهوری اسلامی ایران با اشاره به اتمام عملیات آزادسازی بوکمال «از پایان داعش خبر داد و آن را به‌عنوان یک پیروزی بسیار بزرگ و سرنوشت ساز» تبریک گفت. سردار فرمانده نیروی قدس سپاه در این پیام با «آمریکایی - صهیونیستی» خواندن داعش، خسارت‌های ناشی از عملیات این گروه در عراق و سوریه را ۵۰۰ میلیارد دلار برآورد کرد و طراحی و اجرای آنها را به «رهبران و سازمان‌های مرتبط با آمریکا» نسبت داد. رهبر جمهوری اسلامی ایران نیز با ارسال نامه‌ای به فرمانده نیروی قدس سپاه ضمن تبریک به وی گفت که:

"شما با متلاشی ساختن توده سرطانی و مهلک داعش نه فقط به کشورهای منطقه و به جهان اسلام بلکه به همه ملت‌ها و به بشریت خدمتی بزرگ کردید." همچنین همزمان با پیام فرمانده

نیروی قدس سپاه به مقام معظم رهبری، حسن روحانی (رئیس‌جمهور) نیز پایان داعش را به «رهبر جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران، نیروی قدس و به‌ویژه فرمانده نیروی قدس سپاه» تبریک گفت.^۱

بر این اساس سردار فرمانده نیروی قدس سپاه طی سال‌ها در خط مقدم مبارزه با تروریسم داعش قرار داشته است و با جانفشانی‌های خویش با اقدامات گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه به مقابله برخاسته است. با وجود این ایالات متحده آمریکا با نقض حقوق بشر فرمانده نیروی قدس سپاه و همراهان وی را به شهادت رساند (زمانی و سلمانی، ۱۴۰۰).

قواعد حاکم بر قتل‌های هدفمند در حقوق بین‌الملل، در پارادایم مقررات مخصصات مسلحانه نمی‌گنجد که شخص مورد هدف، به‌عنوان فردی که مشارکت مستقیم در عملیات جنگی دارد، تلقی شود و از حمایت‌های حقوقی ویژه‌ای بهره‌مند نشود. همچنین قتل‌های هدفمند را نمی‌توان در پارادایم اجرای قهری قانون قرارداد که امری مجزا از عملیات نظامی در خارج از میدان‌های نبرد مسلحانه به‌شمار می‌آید. ترور هدفمند اگر به‌نام اجرای قانون صورت گیرد به‌شرطی مشروعیت پیدا می‌کند که بتوان در حقوق داخلی یک کشور، مبنایی حقوقی برای آن یافت. اگر یک قتل هدفمند به‌نام عملیات جنگی انجام شود، باید یک امتیاز نظامی را برای آن تعریف کرد که هیچ راهکار جایگزین غیرکشنده برای رسیدن به آن مزیت نظامی مهیا نبوده است. این ترور هدفمند باید پیشگیرانه باشد، نه مجازات‌کننده و بر اساس استانداردهای معقول نظامی، ضرورت داشته باشد. در این چارچوب، رعایت اصل تناسب و اصل احتیاط بر الزامات دولت عامل قتل هدفمند نیز افزوده می‌شود. توسل به فقدان حاکمیت یکپارچه در عراق، عدم توجه به توافق‌نامه وضعیت نیروهای آمریکایی و عراقی تحت عنوان «موافقتنامه میان ایالات متحده آمریکا و جمهوری عراق راجع به خروج نیروهای آمریکایی از عراق و ساماندهی فعالیت این نیروها در دوران حضور موقت آن‌ها در عراق» و عدم توجه به تشکیلات قانونی حشدالشعبی در عراق به‌عنوان یک نیروی نظامی به رسمیت شناخته شده است، اقدام آمریکا را دال بر کمک به برقراری امنیت در منطقه رد می‌کند. در واقع اقدام تروریستی آمریکا علیه فرمانده نیروی قدس سپاه به‌هیچ‌وجه به موارد ذکر شده تسری داده نمی‌شود و دارای هیچ وجهه قانونی نیست. بنابراین با توجه به ذکر تمامی مقدمات

۱. <https://www.yjc.news/fa/news>

در مقاله حاضر به بحث پیرامون شرح و بررسی ابعاد حقوقی ترور هدفمند فرمانده نیروی قدس سپاه می‌پردازد.

۱. مفهوم ترور هدفمند

اولین مسأله‌ای که در سیاست ترور و قتل هدفمند همچون تروریسم وجود دارد، بحث پیچیدگی تعریف آن است؛ چراکه این مسأله پدیده جدیدی است و از سال ۲۰۰۰ به بعد بر سر زبان‌ها افتاد. به نظر حقوقدانان، علت این پیچیدگی نبود یک تعریف واحد و مورد اجماع در قوانین، دکترین حقوقی و رویه قضایی است.

تعاریف حقوقی متعددی از مفهوم قتل هدفمند ارائه شده است. مسائل و موضوعاتی که در حقوق بین‌الملل وجود دارند و حقوق بین‌الملل آنها را تعریف کرده مسائل عینی هستند، مثل قاعده آمره که تعریف آن در ماده ۵۳ حقوق معاهدات آمده است و موضوعاتی که در حقوق بین‌الملل وجود ندارند و وارد ادبیات حقوقی گشته‌اند مسائلی ذهنی هستند، مانند ترور و قتل هدفمند. بنابراین مفهوم قتل هدفمند مفهومی ذهنی است و نه عینی.

در یک تعریف، قتل هدفمند عبارت است از: حمله به فرد یا افراد متهم به تروریست با اجازه و دستور علنی یا محرمانه یک دولت مبنی بر کشتن آنها در هر زمانی که امکانش فراهم گردد (دی جامالو^۱، ۲۰۰۸: ۲).

در یک تعریف دیگر قتل هدفمند عبارت است از کشتن برنامه‌ریزی شده یک فرد توسط یک دولت یا مأموران آن و نیز در تعریفی دیگر اینگونه آمده است: «کشتن عمدی غیر نظامیانی که مستقیماً در درگیری‌ها شرکت می‌کنند و به طور معمول، نمی‌توان وی را بازداشت کرد، با اجازه و راهنمایی دولت در یک وضعیت مخاصمه مسلحانه بین‌المللی یا غیر بین‌المللی» (سولیس^۲، ۲۰۰۷: ۱۲۷-۱۲۸).

شاید دقیق‌ترین تعریف، تعریفی است که بر اساس آن ترور هدفمند عبارت است از «کاربرد نیروی نظامی وابسته به یک تابع حقوق بین‌الملل با قصد و برنامه‌ریزی قبلی و یا عمد در کشتن فردی که به تنهایی انتخاب شده و در توقیف بدنی کسانی نیست که قصد کشتن او را دارند.» (سرتیپی، بردبار و موسی زاده، ۱۳۹۱: ۴۸).

۱. Djmalov

۲. Solis

قتل هدفمند زمانی مشروع است که مخاصمه مسلحانه بین‌المللی یا غیر بین‌المللی در جریان باشد. بدون جریان داشتن یک مخاصمه مسلحانه قتل هدفمند یک قتل و ترور سیاسی تلقی خواهد شد. اطلاق لفظ مخاصمه مسلحانه به یک منازعه توسط یک دولت یا یک گروه غیر دولتی، با هدف اعمال قوانین جنگ بر آن و انجام ترور هدفمند، نامشروع خواهد بود. به‌طور کلی اطلاق وصف مخاصمه مسلحانه به یک منازعه، نیازمند وقوع جنگ میان دو دولت یا بازیگران غیر دولتی همانند درگیری در یک جنگ داخلی است. این نبرد باید جاری، پایدار، همه‌جانبه و سازمان‌یافته باشد. علاوه بر آن باید مشخص ساخت که کاربرد چه نوعی از زور موجب استناد به حقوق بشر دوستانه بین‌المللی به‌عنوان حقوق حاکم بر آن منازعه می‌شود. جدی‌ترین چالش آن است که ملاک مورد نظر آمریکا برای اعلام یک منازعه به‌عنوان یک مخاصمه مسلحانه، توسط سایر کشورها قابل قبول نبوده و سیاست قتل و ترور هدفمند آمریکا از سوی سایر کشورها می‌تواند ترور هدفمند و سیاسی تلقی شود.

۲. شهادت فرمانده نیروی قدس سپاه و همراهان به دست ایالات متحده آمریکا

فرمانده نیروی قدس سپاه در اثر حمله پهپاد آمریکایی به فرودگاه بغداد در بامداد جمعه ۳ ژانویه ۲۰۲۰ میلادی (۱۳ دی ۱۳۹۸) به همراه ابومهدی المهندس از فرماندهان گروه الحشد الشعبی عراق و ۸ تن دیگر به شهادت رسیدند. وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که دستور این حمله هوایی را دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری و فرمانده کل قوای این کشور صادر کرده است. پیش از این رویداد، وقایعی نظیر حملات به کنسولگری ایران در نجف و کربلا در نوامبر ۲۰۱۹ و ورود خسارت به اماکن دیپلماتیک ایران که همراه با توییت‌های حمایت‌گرانه ترامپ و تشویق معترضان عراقی بود به رویارویی با ایران رخ داده بود. در این میان ایالات متحده در توجیه این عملیات، به دفاع مشروع در برابر آنچه حملات قریب‌الوقوع ایران نسبت به نیروهایش در عراق می‌خواند، متوسل شد. این درحالی است که آنچه در ۳ ژانویه به‌وقوع پیوست اقدامی پیشگیرانه و (حتی نه پیش‌دستانه) به صرف اینکه احتمال وقوع یک حمله از سوی ایران قلمداد می‌شد صورت گرفت که این روند به‌طور قطع مورد حمایت حقوق بین‌الملل نیست. ایالات متحده هیچ‌گونه ادعایی مبنی بر قربانی حمله مسلحانه بودن تا ۳ ژانویه ۲۰۲۰ نداشته است؛ بنابراین، این اقدام با قرائت کلاسیک از ماده (۵۱) منشور ملل متحد همخوانی ندارد. ادعای آمریکا بعد از عملیات ترور فرمانده نیروی قدس سپاه شکل گرفت که حکایت از هر حمله‌ای

قریب‌الوقوع می‌کرد و این در حالی است که نخست وزیر وقت عراق (عادل عبدالمهدی) به صراحت اذعان داشت که فرمانده نیروی قدس سپاه در حال انجام مأموریت سیاسی و دیپلماتیک میان دولت‌های ایران، عراق و عربستان سعودی بوده است. این اقدام علیه میهمان رسمی و خارجی در یک کشور ثالث، نقض آشکار حقوق بین‌الملل است.

افزون بر این عملیات ۳ ژانویه به بهانه دفاع مشروع در خاک عراق حتی بر مبنای موافقت‌نامه راهبردی امنیتی آمریکا و عراق ۲۰۰۸ (SOFA) نیز قابل توجیه نیست. هر چند در بند ۵ ماده ۴ موافقت‌نامه مذکور ذکر شده است که امکان دفاع مشروع در خاک عراق از سوی ایالات متحده وجود دارد، لیکن این امر بی‌حد و حصر نبوده و طبق بند ۲ ماده ۴ به صراحت از لزوم موافقت‌نامه رضایت عراق نسبت به انجام هر گونه عملیات در خاک این کشور سخن به میان رفته است. همچنین بنابر بند (۳) ماده (۲۷) هیچ عملیاتی نباید از سرزمین عراق علیه کشور دیگر انجام شود. در این چهارچوب حتی دکترین باراک اوباما که بر مبنای به‌کارگیری متعادل قدرت آمریکا بود و وجود دولت ناتوان با بی‌میل نسبت به جلوگیری از حمله ثالث را توجیهی مناسب برای اتخاذ اقدامات قهری و توسل به زور از سوی خود ارزیابی می‌کرد هم در مورد توجیه اقدام تروریستی ژانویه ۲۰۲۰ کاربرد ندارد؛ زیرا فارغ از اینکه توسل به آن مطابق حقوق بین‌الملل قابل قبول نیست، دکترین مذکور از دفاع مشروع در برابر موجودیت‌های غیردولتی سخن می‌گوید و نه دولت‌ها. با وجود اینکه اقدام ایالات متحده آمریکا در ترور سردار شهید فرمانده نیروی قدس سپاه و یارانش اقدامی متخلفانه و نقض موازین حقوق بین‌الملل است، با توجه به لزوم تحقق «تجاوز» در معنای بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد برای اعمال حق دفاع مشروع و عدم تحقق عملی تجاوز به صورت تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی جمهوری اسلامی ایران، در عمل استناد به دفاع مشروع موضوع ماده ۵۱ منشور ملل متحد توسط جمهوری اسلامی ایران قابل تأمل به نظر می‌رسد. هرچند با توجه به تحولات اخیر، در صورت عدم ترک نیروهای نظامی ایالات متحده ظرف مدت مقرر، اقدام این کشور عمل تجاوزکارانه تلقی می‌شود و در این صورت دولت عراق از حق دفاع مشروع برخوردار است. در فرض اخیر دولت عراق می‌تواند از دولت ایران درخواست مداخله و تحقق دفاع مشروع جمعی کند. البته هیچ‌یک از دولت‌های درگیر در قضیه، عضو اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیستند و با توجه به موقعیت ایالات متحده آمریکا در شورای امنیت، امکان ارجاع وضعیت توسط شورای امنیت به دیوان کیفری منتفی است. دولت

جمهوری اسلامی ایران ضمن آنکه از حق اقدام متقابل غیر نظامی علیه دولت آمریکا برخوردار است، می‌تواند قضیه را به مراجع بین‌المللی به‌ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، شورای حقوق بشر ارجاع دهد (زمانی، ۱۳۹۸: ۱۵).

۳. ترور هدفمند فرمانده نیروی قدس سپاه از دیدگاه قوانین و مقررات حقوق بین‌الملل

۳-۱. مبانی حقوقی ترور هدفمند سردار فرمانده نیروی قدس سپاه از دیدگاه شورای حقوق بشر

روابط دولت جمهوری اسلامی ایران با شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد به‌ویژه بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ و وقایع پس از آن با چالش مواجه شد. در سوم فروردین ماه ۱۳۹۰ (۲۳ مارس ۲۰۱۱) شورای حقوق بشر با تصویب قطعنامه‌ای در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران (A/HRC/۱۶/L.۲۵/Rev) تصمیم گرفت که یک گزارشگر ویژه در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران تعیین کند (محمدی، ۱۳۹۴: ۴۸-۲۵). تعیین احمد شهید، عاصمه جهانگیر و جاوید رحمان که به ترتیب و در مقاطع زمانی مختلف به‌عنوان گزارشگران ویژه کشوری برای رصد وضعیت حقوق بشر در ایران طی این ده سال ادامه یافته، روابط میان شورای حقوق بشر و دولت جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر خود قرار داده است. با وجود این شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد که سازوکارهای خاصی برای بررسی وضعیت حقوق بشر و نظارت بر آن دارد، در واکنش نسبت به نقض‌های فاحش حقوق بشر نیز نسبتاً جدی بوده است.

رسیدگی به موضوع «قتل‌های فراقضایی، بدون محاکمه منصفانه و خودسرانه» به‌موجب قطعنامه شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در ۷ مه ۱۹۸۲ در دستور کار کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد قرار گرفت و در چند نوبت توسط آن کمیسیون و جانشین آن، شورای حقوق بشر تمدید و تجدید شد. از آن تاریخ تا سال ۲۰۱۶، پنج گزارشگر ویژه در این خصوص انتخاب شده‌اند و این وظیفه از سال ۲۰۱۶ برعهده خانم آگنس کالامار از کشور فرانسه گذارده شده است. به موجب قطعنامه شورای حقوق بشر، گزارشگر ویژه از جمله موظف است وضعیت‌هایی را که به هر دلیل در آنها قتل‌های فراقضایی، بدون محاکمه و خودسرانه اتفاق می‌افتد، بررسی کرده و یافته‌های خود به همراه پیشنهادها و توصیه‌های مربوط را به‌صورت سالانه به شورا و نیز مجمع عمومی سازمان ملل متحد گزارش دهد. گزارشگر ویژه نیز در انجام مسئولیت خود مکاتبات و ارتباط‌های لازم را با دولت‌های ذی‌ربط برقرار می‌سازد و در صورت لزوم، بازدیدهایی از

کشورهای مورد بررسی انجام می‌دهد و سرانجام، بر اساس مجموع اطلاعات، مشاهدات، اسناد و مدارک موجود نسبت به ارائه گزارش خود اقدام می‌کند. گزارش‌های سالانه‌ای که تاکنون توسط گزارشگران ویژه به شورای حقوق بشر ارائه شده است، مباحث مختلفی را در رابطه با موضوع قتل‌های فراقضایی مورد بحث و بررسی قرار داده است. گزارش سال ۲۰۲۰ خانم کالامار که به اجلاس چهل و چهارم شورای حقوق بشر ارائه شد، به موضوع قتل‌های هدفمند از طریق پهپادهای نظامی اختصاص یافته و ضمیمه گزارش نیز به‌طور خاص به بررسی پرونده سردار فرمانده نیروی قدس سپاه پرداخته است (عبدلهی، ۱۳۹۹: ۴۵-۵۵).

۲-۳. نظام گزارشگری ویژه شورای حقوق بشر در موضوع ترور هدفمند فرمانده نیروی قدس سپاه

همان‌گونه که اشاره شد رسیدگی به موضوع «قتل‌های فراقضایی، بدون محاکمه متصفانه و خودسرانه» به‌موجب قطعنامه شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در ماه می ۱۹۸۲ در دستور کار کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد قرار گرفت و در چند نوبت توسط آن کمیسیون و خلف آن، شورای حقوق بشر تمدید و تجدید شد. از آن تاریخ تا سال ۲۰۱۶، پنج گزارشگر ویژه در این خصوص انتخاب شده‌اند و این وظیفه از سال ۲۰۱۶ برعهده خانم آگنس کالامار از کشور فرانسه گذارده شده است. به موجب قطعنامه شورای حقوق بشر، گزارشگر ویژه از جمله موظف است وضعیت‌هایی را که به هر دلیل در آنها قتل‌های فراقضایی، بدون محاکمه و خودسرانه اتفاق می‌افتد، بررسی کرده و یافته‌های خود به‌همراه پیشنهادها و توصیه‌های مربوط به صورت سالانه به شورا و نیز مجمع عمومی سازمان ملل متحد گزارش دهد. گزارشگر ویژه نیز در انجام مسئولیت خود مکاتبات و ارتباط‌های لازم را با دولت‌های ذی‌ربط برقرار می‌سازد و در صورت لزوم، بازدیدهایی از کشورهای مورد بررسی انجام می‌دهد و در نهایت، بر اساس مجموعه اطلاعات، مشاهدات، اسناد و مدارک موجود نسبت به ارائه گزارش خود اقدام می‌کند.

گزارش‌های سالانه‌ای که تاکنون توسط گزارشگران ویژه به شورای حقوق بشر ارائه شده است، مباحث مختلفی را در رابطه با موضوع قتل‌های فراقضایی مورد بحث و بررسی قرار داده است. گزارش سال ۲۰۲۰ خانم کالامار که به اجلاس چهل و چهارم شورای حقوق بشر ارائه گردیده، به موضوع «قتل‌های هدفمند از طریق پهپادهای نظامی» اختصاص یافته و ضمیمه گزارش نیز به‌طور خاص به بررسی پرونده سردار فرمانده نیروی قدس سپاه پرداخته

است (A/HRC/۴۴/۳۸, ۲۰۲۰). گزارشگر ویژه در قسمت اصلی گزارش خود این مهم را یادآور می‌شود که با وجود استفاده فزاینده از پهپادهای نظامی در انجام قتل‌های هدفمند و نیز چنین استفاده‌ای پرسش‌ها و چالش‌های مهمی را در حوزه‌های حقوق بین‌الملل بشر و بشردوستانه مطرح کرده، هنوز به نحوی شایسته، ابعاد حقوقی این موضوع بررسی نشده است. این در حالی است که با توجه به ورود به «عصر دوم پهپادها» و رواج گسترده بهره‌گیری بازیگران دولتی و غیردولتی از این جنگ‌افزار، ابعاد مختلف موضوع به یک مسأله امنیت بین‌المللی تبدیل شده است. علاوه بر این، حمله به کاروان فرمانده نیروی قدس سپاه در ژانویه ۲۰۲۰، نخستین مورد در تاریخ استفاده از این جنگ‌افزار است که مقام عالی‌رتبه یک دولت خارجی در خاک دولتی ثالث توسط پهپاد نظامی دولتی دیگر هدف قرار می‌گیرد (A/HRC/۴۴/۳۸, ۲۰۲۰: P۵). از یک‌سو، پیشرفت فناوری‌های به‌کار رفته در ساخت پهپادهای نظامی، فقدان شفافیت و پاسخ‌گویی کافی در فرایند استفاده از پهپادها، مشکلات و خلأهایی را در حوزه مباحث حقوقی مرتبط با آنها ایجاد کرده که نیازمند توجه ویژه دولت‌ها و جامعه بین‌المللی است (A/HRC/۴۴/۳۸, ۲۰۲۰: P۲۲-۲۹). به عقیده گزارشگر ویژه، قواعد حاکم بر مشروعیت استفاده از پهپادهای نظامی باید در سه حوزه «حقوق بر جنگ یا حقوق بین‌الملل توسل به زور»، «حقوق در جنگ با حقوق بشردوستانه بین‌المللی»^۱، و «حقوق بین‌الملل بشر» مورد توجه قرار گیرد. در ادامه، خانم کالامار به بررسی ابعاد حقوقی قتل‌های هدفمند در هر یک از سه حوزه حقوقی یادشده می‌پردازد و در پایان نتیجه‌گیری و توصیه‌های خود را در این موضوع ارائه می‌کند.

همان‌طور که اشاره شد، گزارشگر ویژه بر این عقیده است که حمله پهپاد نظامی آمریکا به کاروان حامل فرمانده نیروی قدس سپاه و همراهان ایشان در صورتی به‌موجب حقوق بین‌الملل مشروع است که مطابق با اصول و قواعد حاکم بر هر سه حوزه حقوق بین‌الملل توسل به زور، حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل بشر مشروعیت داشته باشد. مبحث اول: ترور فرمانده نیروی قدس سپاه از منظر حقوق بین‌الملل توسل به زور حقوق بر جنگ به قواعد ناظر بر توسل به زور مندرج در منشور ملل متحد اختصاص دارد که بند ۴ ماده ۲ منشور (ممنوعیت توسل به زور) و ماده ۵۱ سند دفاع مشروع به‌عنوان یکی از استثنائات ممنوعیت توسل به زور،

۱. Jus ad Bellum

۲. Jus in Bello

چهارچوب کلی بحث گزارشگر ویژه در این خصوص را شکل می‌دهند. بر اساس بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد «کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن بر ضد تمامت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت، یا از هر روش دیگر که با مقاصد ملل متحد مابینت داشته باشد خودداری خواهند نمود.» ماده ۵۱ منشور نیز مقرر می‌دارد: «در صورت وقوع حمله مسلحانه بر ضد یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع مشروع از خود، خواه به‌طور فردی و خواه جمعی، لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضاء باید اقداماتی را که در جهت اعمال حق دفاع مشروع از خود به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هیچ وجه بر اختیارات و وظایفی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به موجب آن در هر موقع که ضروری تشخیص دهد برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی اقدام لازم به عمل خواهد آورد، تأثیری نخواهد داشت.»

خانم کالامار در گزارش خود به تفصیل به این موضوع و دکتترین مطرح شده از سوی آمریکا و شماری دیگر از کشورها در خصوص «دفاع مشروع پیش‌دستانه پرداخته است. به عقیده گزارشگر ویژه، بباوجود مباحث گسترده پیرامون ابعاد مختلف حق دفاع مشروع (و پذیرش یا عدم پذیرش دکتترین دفاع مشروع پیش‌دستانه)، تقریباً در این خصوص اتفاق نظر وجود دارد که تمامی دولت‌ها می‌توانند در مقابل حمله محقق یا حمله قریب‌الوقوع (در صورتی که ناگهانی، شدید و ناگزیر باشد) از خود دفاع کنند (A/HRC/۴۴/۳۸, ۲۰۲۰:P۵۴). دکتترین دفاع مشروع پیشگیرانه متعاقب حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به‌طور رسمی نخستین بار در سپتامبر ۲۰۰۲ توسط ایالات متحده آمریکا در زمان ریاست جمهوری جورج بوش و در سند راهبرد امنیت ملی ایالات متحده آمریکا مطرح شد و پس از آن نیز از سوی برخی دیگر از دولت‌ها مورد شناسایی قرار گرفت. علاوه بر این، خانم کالامار بر لزوم رعایت قیود مندرج در ماده ۵۱ منشور، به‌ویژه مکاتبه مناسب دولت ذی ربط با شورای امنیت، تأکید دارد. به عقیده ایشان، دولتی که به حق دفاع مشروع استناد کند باید گزارشی تفصیلی در توجیه اقدام خود و اثبات قریب‌الوقوع بودن حمله و متناسب بودن دفاع به جامعه بین‌المللی ارائه نماید (A/HRC/۴۴/۳۸, ۲۰۲۰:P ۶۷). به نظر می‌رسد تأکید گزارشگر ویژه بر این امر در راستای طرح پیشنهادی اخیر دولت مکزیک به مجمع عمومی در خصوص «تحلیل اعمال بند ۴ ماده ۲ ماده ۵۱ منشور ملل متحد» صورت گرفته است. «مطابق گزارش کمیته ویژه

منشور ملل متحد و تقویت نقش سازمان» مورخ ۲ مارس ۲۰۲۰، دولت مکزیک و برخی دیگر از دولت‌های حوزه آمریکای لاتین، پیشنهاد دادند تا ابعاد مختلف ماده ۵۱ و تفسیر آن به طور دقیق مورد بررسی قرار گیرد تا از سوء استفاده‌های احتمالی از حق دفاع مشروع جلوگیری شود. مطابق طرح پیشنهادی یادشده، خصوصاً لازم است در خصوص تعهد دولتی که به حق دفاع مشروع استناد می‌کند مبنی بر اطلاع و ارائه توضیح مناسب و مکفی به شورای امنیت بررسی شود؛ از جمله اینکه مکاتبه مذکور با شورای امنیت باید چه موارد و مطالبی را در برداشته باشد و به چه جزئیاتی در توجیه حمله نظامی در مقام دفاع مشروع بپردازد؟ بازه زمانی مناسب برای ارسال مکاتبه مذکور به شورای امنیت چیست و آیا الزاماً باید پیش از وقوع حمله صورت گیرد؟ چه میزان شفافیت و علنی سازی اطلاعات، مدارک و قرائن در مکاتبه مذکور ضرورت دارد و اینکه عدم پاسخ‌گویی و واکنش سایر اعضای ملل متحد به چنین مکاتبه‌ای، چه آثاری را در پی خواهد داشت؟ (<https://www.justsecurity.org>). در این خصوص گزارشگر ویژه بیان داشته است که دولت آمریکا در تاریخ ۸ ژانویه ۲۰۲۰ طی نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل متحد، حمله به کاروان حامل فرمانده نیروی قدس سپاه و همراهان ایشان را در اعمال حق دفاع مشروع خود به موجب منشور توجیه کرده است. این مکاتبه، تنها مکاتبه رسمی آمریکا در خصوص حمله صورت گرفته است و به همین دلیل مبنای بررسی‌های حقوقی خواهد بود. در نامه یادشده، ایالات متحده آمریکا حملات نظامی صورت گرفته در ماه‌های پیش از واقعه توسط ایران یا شبه نظامیان تحت حمایت ایران (از جمله کتائب حزب الله) علیه نیروها و منافع و آمریکا در خاورمیانه و قصد آمریکا در بازداشتن ایران از انجام حملات بیشتر را مورد حق دفاع مشروع برای آمریکا دانسته است. با وجود این، به عقیده گزارشگر ویژه نخست حملات ادعایی مذکور وقایع پراکنده بوده‌اند که رو به وخامت نبوده و به لحاظ زمانی با اهداف نظامی ارتباطی با یکدیگر نداشته‌اند (A/HRC/۴۴/۳۸, P۵۷:۲۰۲۰؛ برخی از وقایع مذکور در حد «تهدید» باقی مانده و مصداق «حمله» به شمار نمی‌آیند؛ و سوم، حتی با فرض وقوع حملات مذکور آمریکا به هیچ وجه ادله و مدارک کافی در خصوص کنترل کلی» ایران را بر شبه نظامیان که مرتکب حملات مذکور شده‌اند، اثبات نکرده است؛ معیاری که مطابق رویه تثبیت شده دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق برای انتساب اعمال گروه‌های نظامی به یک دولت ضروری است. از سوی دیگر مطابق رویه دیوان بین‌المللی دادگستری کمک به گروه‌های نظامی در قالب تدارک تسلیحات یا حمایت‌های پشتیبانی

و ... مصداق «حمله نظامی» نیست (A/HRC/۴۴/۳۸, ۲۰۲۰:P۶۰). مهم‌تر از همه، تمامی حملات و وقایعی که مورد استناد ایالات متحده قرار گرفته، حتی در مواردی که مستقیماً علیه آن کشور بوده است، مربوط به «گذشته» است و هیچ یک مبین آن نیست «یک حمله قریب‌الوقوع در آینده» رخ خواهد داد. در نتیجه، به عقیده گزارشگر ویژه اقدام آمریکا نمی‌تواند مصداق دفاع مشروع در مقابل یک حمله قریب‌الوقوع در آینده به شمار آید (A/HRC/۴۴/۳۸, ۲۰۲۰:P۶۱). حتی اگر این احتمال در نظر گرفته شود که ایالات متحده اطلاعاتی در اختیار داشته که حمله قریب‌الوقوع توسط فرمانده نیروی قدس سپاه با نیروهای تحت حمایت ایران علیه آمریکا در آینده نزدیک به وقوع خواهد پیوست و گزینه برای پیشگیری از حمله یادشده، حمله نظامی به کاروان حامل فرمانده نیروی قدس سپاه بوده است، باز هم آمریکا وظیفه داشت ادله و قرائن مثبت ادعای خود را به نحو مقتضی در اختیار شورای امنیت قرار دهد تا امکان بررسی آن ادله را برای آن شورا فراهم آورد. چنین اقدامی هرگز از سوی دولت ایالات متحده آمریکا صورت نگرفته است. (زمانی و سلیمانی، ۱۴۰۰).

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که اقدام آمریکا در به شهادت رساندن فرمانده نیروی قدس سپاه و همراهان وی به هیچ وجه در قالب حقوق بین‌الملل توسل به زور قابلیت توجیه ندارد. دو استثنای قاعده منع توسل به زور یعنی دفاع مشروع و نظام امنیت جمعی سازمان ملل متحد هیچ یک در مورد اقدام پهباد نظامی آمریکا علیه فرمانده نیروی قدس سپاه و همراهان وی قابل اعمال نیست.

۴. ترورهدفمند فرمانده نیروی قدس سپاه از منظر حقوق بشر دوستانه بین‌المللی

نکته اساسی در اعمال حقوق در جنگ با حقوق بشردوستانه بین‌المللی و تمایز آن از حقوق بین‌المللی بشر توصیف وضعیت حاکم بر وقوع حمله نظامی مورد بحث است؛ به دیگر سخن، حقوق بشر دوستانه در وضعیت «مخاصمات مسلحانه» (اعم از داخلی و بین‌المللی) اعمال می‌شود، حال آنکه بستر اصلی اعمال قواعد حقوق بشر وضعیت‌های «صلح» است (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های شهر دانش، ۱۳۹۴). در نگاه نخست، حمله به کاروان فرمانده نیروی قدس سپاه و همراهان او بی‌تردید حمله به نیروهای نظامی یک دولت (دولت ایران توسط دولت دیگر (ایالات متحده) بوده است). خانم کالامار به این نکته نیز اشاره می‌کند که آمریکا در گذشته تلاش کرده است ضمن معرفی نیروی قدس سپاه ایران به‌عنوان یک گروه تروریستی «تلاش نماید تا اقدامات

و حملات خود علیه این نیرو را به‌عنوان بخشی از مخاصمه غیر بین‌المللی آمریکا علیه گروه‌های تروریستی، به‌ویژه القاعده، توصیف کند. چنین تلاشی از سوی آمریکا کاملاً بی‌پایه و بلاوجه است و بی‌تردید ترور فرمانده نیروی قدس سپاه حمله به یک مقام دولتی است، A/HRC/۴۴/۳۸، ۲۰۲۰، (P ۱۴).

سؤال دیگر که باید پاسخ داده شود، وجود یا فقدان یک «مخاصمه بین‌المللی» میان ایران و آمریکا است و یا اینکه حمله به کاروان حامل فرمانده نیروی قدس سپاه و همراهان ایشان، آغازگر چنین مخاصمه‌ای بوده است. گزارشگر ویژه به این مسأله اشاره می‌کند که عقیده غالب و پذیرفته شده در شرح کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بر کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو این است که حقوق بشردوستانه از زمان «اولین شلیک» میان دو دولت اعمال می‌شود (A/HRC/۴۴/۳۸، ۲۰۲۰: P ۱۴)؛ به دیگر سخن، با شلیک نخستین گلوله از سوی یک دولت علیه دولت دیگر، مخاصمه بین‌المللی آغاز می‌شود. با وجود این، برخی دیگر، از جمله انجمن حقوق بین‌الملل در گزارش سال ۲۰۱۰ خود راجع به «مفهوم مخاصمه بین‌المللی در حقوق بین‌الملل»، میان «حمله نظامی»^۱ و «مخاصمه نظامی»^۲، تفکیک قائل شده و حملات منفرد و پراکنده را مصداق مخاصمه بین‌المللی ندانسته‌اند، بلکه برای احراز وقوع مورد اخیر عوامل دیگر مانند بازه زمانی با شدت معتنا درگیری‌ها را ضروری دانسته‌اند. (A/HRC/۴۴/۳۸، ۲۰۲۰: para ۱۴). در بررسی هر یک از دو رویکرد یادشده، گزارشگر ویژه بر این عقیده است که اعمال قاعده اولین شلیک و در نتیجه، توصیف حمله به کاروان فرمانده نیروی قدس سپاه و همراهان ایشان، چالش‌های متعددی را ایجاد می‌کند که اهم آنها عبارتند از:

نخست آنکه در ماه‌های پیش از وقوع حمله مذکور، وقایع دیگری میان دو کشور اتفاق افتاده است (از جمله انهدام یک پهپاد آمریکایی در قلمروی هوایی ایران توسط نیروهای نظامی ایران) که در صورت اعمال قاعده اولین شلیک، یا باید هر یک از وقایع مذکور را یک مخاصمه بین‌المللی میان ایران و آمریکا تلقی کرد و معتقد بود که از تاریخ وقوع نخستین درگیری، مخاصمه بین‌المللی میان دو کشور آغاز شده و حمله به کاروان فرمانده نیروی قدس سپاه نیز بخشی از مخاصمه بین‌المللی در جریان بوده است.

۱. armed attack

۲. Armed Conflict

دوم آنکه هر یک از دولت‌های ایران و آمریکا اعلام نکرده‌اند که در ماه‌های پیش از حمله، وضعیت مخاصمه میان ایشان برقرار بوده است، بلکه دولت‌های مذکور سرانجام از «تشدید یا وخامت اوضاع» سخن گفته‌اند دولت آمریکا پس از حمله به کاروان حامل فرمانده نیروی قدس سپاه به طور رسمی اعزام کرد که ایالات متحده آمریکا در حال حاضر به هیچ وجه در حال مخاصمه نظامی علیه ایران نیست. وزیر امور خارجه ایران نیز حمله مذکور را «اقدام تروریستی» توصیف کرده و به هیچ وجه از وقوع مخاصمه بین‌المللی میان دو کشور سخن نگفته است (بند ۲۴ ضمیمه). البته گزارشگر ویژه به این مسأله اذعان دارد که برای احراز وضعیت مخاصمه بین‌المللی، «اعلام» وقوع یا شیوع مخاصمه از سوی دولت‌ها ضرورتی ندارد؛ لکن خاطر نشان می‌سازد که حداقل انتظار می‌رود اظهارنظرهایی در این خصوص در کشورهای طرف مخاصمه شنیده شود. علاوه بر این، در صورت وقوع یک مخاصمه بین‌المللی انتظار می‌رود نهادهای بین‌الدولی و اعضای ملل متحد نسبت به این موضوع واکنش نشان دهند؛ در حالی که در موضوع مورد بحث دبیر کل ملل متحد و شماری از اعضای سازمان ملل متحد تنها از امکان «وخامت اوضاع» سخن گفته‌اند و هیچ یک به شروع و ادامه یک مخاصمه بین‌المللی اشاره نکرده‌اند (A/HRC/۴۴/۳۸، P۲۶:۲۰۲۰). از سویی دیگر گزارشگر ویژه به این مسأله نیز می‌پردازد که توصیف وضعیت به‌عنوان یک مخاصمه مسلحانه نیز می‌تواند محدودیت‌ها و مشکلاتی را به دنبال داشته باشد؛ از جمله اینکه نقش مکمل قواعد حقوق بشر در اعمال قواعد حقوق بشردوستانه نادیده انگاشته شود (A/HRC/۴۴/۳۸، P۳۳:۲۰۲۰). این در حالی است که به عقیده خانم کالامار، در شرایطی که احراز ماهیت درگیری مسلحانه دشوار است، اعمال حقوق بشر می‌تواند به نقل معقول‌تر و مناسب‌تری از اهداف بالقوه و نیز غیر نظامیان حمایت کند (A/HRC/۴۴/۳۸، P۳۴:۲۰۲۰). به عقیده ایشان چنین رویکردی باید در خصوص حملات فراسرزمینی در قلمرو دولت‌های غیر متخاصم نیز اعمال شود؛ چراکه حملات مذکور در خارج از قلمرو برخی دولت‌های متخاصم محقق می‌شود و در نتیجه، نمی‌توان آنها را بخشی از مخاصمه مسلحانه و مشمول قواعد حقوق بشردوستانه در نظر گرفت. عدم پذیرش چنین رویکردی به این معناست که اشخاص و اهداف غیرنظامی واقع در قلمرو دولت غیر متخاصم، تنها به این دلیل که فرد مورهدف در نزدیکی آنها قرار دارد، با رعایت اصل تناسب در معرض آسیب‌های ناشی از حمله قرار گیرند. در اثبات این رویکرد، گزارشگر ویژه به گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ استناد می‌کند که بیان داشته در

مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، چنانچه کشتار هدفمند جنگجویان غیر دولت درگیر در مخاصمه در قلمروی دولت ثالث غیر متخاصم واقع شود، این حمله تحت حمایت حقوق بین‌الملل بشر است و نه حقوق بشر دوستانه بین‌المللی؛ چرا که محاسبه‌ای در آن سرزمین در جریان نیست. در مقابل، چنانچه رویکرد اخیر پذیرفته نشود و قاعده اولین شلیک ملاک توصیف چنین وضعیت‌هایی قرار گیرد، یکی از تبعات چنین رویکردی این است که «هر یک از نیروهای نظامی» در هر نقطه از جهان یک «هدف نظامی مشروع» قلمداد می‌شوند. در این صورت، با مخاصمات بین‌المللی «بسیار کوتاه مدت» مواجه خواهیم بود و تمایز میان «جنگ» و «صلح» تقریباً از میان خواهد رفت. بر همین اساس، خانم کالامارد بر این عقیده است که بستر حقوقی حاکم بر حمله پهپاد آمریکایی به کاروان حامل فرمانده نیروی قدس سپاه «حقوق بین‌الملل بشر» است و مخاصمه بین‌المللی میان ایران و ایالات متحده آمریکا واقع نشده است.

البته رویکرد اتخاذ شده توسط گزارشگر ویژه در خصوص توصیف وضعیت حاکم بر این حمله که پیش از این نیز از سوی ایشان مطرح شده است، با رویکرد مورد پذیرش بسیاری از حقوق دانان و نهادهای بین‌المللی مغایر است؛ کما اینکه خانم کالامارد نیز خود به صراحت به اختلاف رویکرد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در این خصوص اشاره کرده است. به‌عنوان نمونه، رالف جانیک، در مقاله‌ای که با فاصله اندکی پس از واقعه مورد بحث منتشر کرد اظهار داشت که پذیرش نظریه نخستین شلیک به این معناست که تمامی سربازان در هر کجا که باشند یک هدف مشروع به‌شمار می‌آیند و چنین امری به معنای زوال تمایز میان وضعیت‌های جنگ و صلح است. از سویی دیگر با توجه به اهمیت اعمال نظری نخستین شلیک در حمایت از غیرنظامیان، مجروحان، اسرا و ... می‌توان راه میانه را برگزید و آن اعمال محدود برخی از قواعد حقوق بشردوستانه، از جمله لزوم رعایت اصل تفکیک و ممنوعیت حمله مستقیم به غیر نظامیان و ... در وضعیتی خاص به مثابه قتل هدفمند نیروهای نظامی یک دولت است. نویسنده دیگر در همان ایام چنین بیان می‌کرد که: «اصولاً حمله نظامی که با نقض حقوق بر جنگی محقق شده باشد، در واقع نقض حق حیات و ممنوعیت سلب خودسرانه آن (ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است) و در نتیجه، در عصر کنونی باید از بحث حقوق خاص و حقوق عام عبور کرد.»

دیدگاه دیگری نیز ضمن تصدیق وجه حمایتی نظریه نخستین شلیک و هم راستا بودن آن با اهداف والای حقوق بین‌المللی بشردوستانه، وضعیت حاضر را به دلیل وقوع حمله علیه یک مقام

دولتی (فرمانده نیروی قدس سپاه در خاک یک دولت ثالث (عراق) واجد ویژگی‌های خاصی می‌داند که با نمونه‌های پیشین متفاوت است. در نتیجه، شایسته است معیارهای دیگری مانند اعلام جنگ یا واکنش نظامی دولت مورد حمله در توصیف وضعیت قطعی به‌عنوان یک منخاصمه مسلحانه بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد.

خانم کالامار در ادامه گزارش خود به بررسی مشروعیت حمله آمریکا بر اساس قواعد حقوق بشر می‌پردازد. در این خصوص ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مبنی بر اینکه محرومیت خودسرانه افراد از حق حیات ممنوع است و شرح کلی شماره ۳۶ توسط کمیته حقوق بشر مبنی بر اینکه ممنوعیت مذکور در تمامی اوضاع و احوال، از جمله وضعیت منخاصمه مسلحانه، همچنان جریان دارد، مورد تأکید گزارشگر ویژه قرار گرفته است. رویه قضایی بین‌المللی نیز با صدایی واحد بر لزوم احترام فراسرزمینی به این حق بشری صحه گذارده و در نتیجه، دولت‌ها مکلف‌اند حق حیات تمامی افرادی که واقع در قلمرو یا تحت صلاحیت آنها قرار دارند یا افرادی را که به هر نحو در معرض کنترل مؤثر دولت قرار می‌گیرند محترم شمرند و از سلب خودسرانه حیات ایشان اجتناب کنند (۴۲-۴۱: P۴۱، ۲۰۲۰: A/HRC/۴۴/۳۸). (بندهای ۴۱ و ۴۲ ضمیمه). یکی از مواردی که افراد را تحت قدرت یا کنترل مؤثر دولت‌ها قرار می‌دهد، بر بهره‌گیری دولت‌ها از پهپادهای نظامی است.

از سوی دیگر، باید به این واقعیت نیز توجه داشت که در تعیین «خودسرانه بودن» قتل توسط یک دولت باید به بستر و زمینه‌های وقوع قتل مذکور نیز به‌نحو مقتضی توجه کرد. در واقع، ماده ۶ میثاق دربردارنده تعهدی مثبت بر دولت‌هاست تا از جمله از طریق اقدامات پیشگیرانه مناسب در مقابل تهدیدهای واقعی و فوری ناشی از یک حمله تروریستی، از حیات افراد تحت صلاحیت خود دفاع و حمایت کنند. در چنین موقعیت‌هایی است که اوضاع و احوالی خاص هر وضعی، از جمله اوصاف و ماهیت تهدید مورد بحث می‌تواند در تعیین خودسرانه بودن یا نبود آن اهمیت داشته باشد (۴۷-۴۵: P۴۵، ۲۰۲۰: A/HRC/۴۴/۳۸). در همین راستا، در خصوص حمله به کاروان فرمانده نیروی قدس سپاه و همراهان ایشان، سه موضوع باید مورد توجه قرار گیرد: نخست، طراحی و برنامه ریزی حمله نظامی با پهپاد و عدم توجه به گزینه‌های جایگزین؛ دوم، فقدان ادله و قرائن کافی مبنی بر اینکه هدف حمله به واقع تهدیدی جدی و قریب‌الوقوع برای آمریکا به دنبال داشته است؛ و سوم، توجیه قتل ۹ تن دیگر از همراهان فرمانده نیروی قدس سپاه (۵ نفر از اتباع

عراقی) که آمریکا ادعایی در خصوص وقوع تهدیدی قریب‌الوقوع از سوی ایشان را مطرح نکرده است.

به عقیده گزارشگر ویژه، ایالات متحده آمریکا نتوانسته است هیچ یک از سه موضوع فوق را به‌طور مناسب توجیه کند؛ بلکه آمریکا در نامه خود به شورای امنیت و اظهارات متعاقب آن، صرفاً با بیانی مبهم و فاقد اسناد و مدارک لازم، مدعی شده است که فرمانده نیروی قدس سپاه در حال طراحی حملات قریب‌الوقوع علیه دیپلمات‌ها و نیروهای نظامی آمریکا بوده است. پذیرش اظهارات و ادعاهایی از سوی دولت‌ها در توجیه وجود یک تهدید قریب‌الوقوع به منظور اثبات مشروعیت دفاع مشروع، امکان بررسی دقیق و موشکافانه موضوع توسط نهادهای ذی‌ربط و افکار عمومی را منتفی می‌سازد و نیز احتمال اینکه دولت حمله‌کننده، سایر گزینه‌ها از جمله دستگیری و بازداشت را اصلاً در نظر نگرفته است، تقویت می‌کند (A/HRC/۴۴/۳۸, ۲۰۲۰:P۵۰). رایان گودمن استاد حقوق دانشگاه نیویورک و عضو کمیته مشورتی حقوق بین‌الملل وزارت خارجه آمریکا نیز همین انتقادات را به حمله آمریکا از منظر لزوم اخذ مجوز کنگره جهت اقدام به حمله نظامی مطرح کرده است.

علاوه بر این، احترام به حق حیات و عدم سلب خودسرانه آن متضمن تکالیف رویه‌ای است که اجرای صحیح آنها امکان ارزشیابی رعایت تکالیف ماهوی را میسر می‌سازند. توسل به زور کشنده باید به‌واسطه چهارچوب حقوقی روشن و مؤثر قاعده‌مند شده باشد و فرایند طراحی، برنامه‌ریزی و نظارت بر عملیات نظامی به‌گونه‌ای صورت گیرد که خطر سلب و حیات را به حداقل برساند و در نهایت، ساز و کار مؤثر و مستقلی برای انجام تحقیقات و پاسخ‌گویی ناقضان حق حیات وجود داشته باشد (A/HRC/۴۴/۳۸, ۲۰۲۰:P۵۲).

در نهایت، گزارشگر ویژه ضمن اشاره به عدم رعایت الزامات پیش‌گفته از سوی آمریکا، اظهار می‌دارد که حتی با فرض اینکه بر اساس اسناد بین‌المللی موجود، نیروهای قدس سپاه و فرمانده نیروی قدس سپاه مرتکب نقض حقوق بین‌الملل شده باشند، آمریکا می‌توانست و می‌بایست، تلاش می‌کرد امکان رسیدگی به اتهامات ایشان در یک مرجع بین‌المللی ذی‌صلاح فراهم می‌آمد؛ نه اینکه به‌صورت خودسرانه نسبت به سلب حیات ایشان اقدام کند.

در قسمت پایانی گزارش خود گزارشگر ویژه حمله به کاروان حامل فرمانده نیروی قدس سپاه و همراهان ایشان را با توجه به اینکه در خاک عراق و بدون رضایت آن کشور واقع شده، نقض

تمامت سرزمینی دولت عراق و مصداق تجاوز نظامی دانسته است. در واقع، به موجب قواعد حقوق بین‌الملل، دفاع مشروع در مقابل تجاوز به خاک یک کشور در صورتی مجاز است که حمله‌ای مسلحانه به کشور مزبور صورت گرفته باشد، و دولت مزبور تقاضای دفاع کرده باشد؛ که در حمله آمریکا هیچ یک از دو مورد یادشده مصداق ندارد. دولت عراق طی نامه ۶ ژانویه ۲۰۲۰ خود به شورای امنیت به طور صریح و رسمی اقدام آمریکا را نقض تمامت ارضی عراق و تجاوز به خاک آن کشور دانست.

گزارشگر ویژه همچنین، توجیحات مقامات آمریکایی مبنی بر قصور دولت عراق در پیشگیری از حملات و تهدیدها علیه نیروهای نظامی آمریکا در عراق را برای توجیه حمله مذکور کافی ندانسته و با توجه به اعتراض صریح دولت عراق به این حمله آن را ناقض تمامیت سرزمینی عراق توصیف کرده است. به عقیده خانم کالامار، دکترین «دولت ناتوان یا بی‌تمایل»^۱ که توسط آمریکا و برخی دیگر است دولت‌ها در توجیه حملات به برخی کشورها در مبارزه علیه طالبان و سایر گروه‌های تروریستی مطرح شده است، حتی بر فرض صحت، در موضوع مورد بحث قابلیت اعمال ندارد؛ چرا که اولاً وصف مکانی تهدیدهای ادعایی علیه منافع یا نیروهای آمریکا تنها به عراق محدود نبوده بلکه شماری از کشورها در خاورمیانه را در بر می‌گیرد. در واقع کشورهای متعددی در منطقه خاورمیانه و حتی روسیه سفر می‌کرده است و پذیرش ادعای آمریکا به این معناست حضور فرمانده نیروی قدس سپاه در هر یک از کشورهای آمریکا حق حمله و تجاوز به خاک آن کشور برای ختنی سازی تهدید ادعایی را داشته است (A/HRC/۴۴/۳۸, ۲۰۲۰:PV۳)؛ دوم آنکه حتی در اعمال دکترین دولت ناتوان یا بی‌تمایل، آمریکا باید علاوه بر اثبات «ناتوان یا بی‌تمایل بودن» دولت عراق بتواند سایر شرایط مانند وجود خطر قریب‌الوقوع، ضرورت و تناسب حمله را نیز اثبات کند که چنین امری هرگز توسط ایالات متحده انجام نشده و حتی تلاشی نیز در توجیه این موارد از سوی آمریکا صورت نگرفته است (A/HRC/۴۴/۳۸, ۲۰۲۰:PV۵-۷۸).

۵. ترور هدفمند فرمانده نیروی قدس سپاه به وسیله هواپیماهای بدون سرنشین

۵-۱. نقض حق بر دفاع مشروع از طریق حمله تروریستی با هواپیماهای بدون سرنشین

اولین نگرانی درباره‌ی توجیحات اقدامات ایالات متحده در رابطه با اقداماتی که در رابطه با ترور فرماندهی نیروی قدس سپاه بود با طرح این موضوع که «وی در حال طراحی حملات

۱. unable or unwilling state

قریب‌الوقوع و شوم علیه دیپلمات‌ها و پرسنل نظامی آمریکایی» است. این مسأله قانونی بودن دفاع به اصطلاح پیشگیرانه در برابر حملات مسلحانه قریب‌الوقوع و حملاتی که هنوز شروع نشده‌اند، مطرح می‌کند. این اولین شکاف بین مفسران را آشکار می‌کند. در یک سو کارشناسانی قرار دارند که معتقدند «قانون اجازه استفاده از نیروی نظامی برای پاسخ به یک احتمال و ادعا برای حمله در آینده را نمی‌دهد» و توجه داشته باشید که «هیچ دادگاه یا دادگاه بین‌المللی هم هرگز این موضوع را تأیید نکرده است».

از سوی دیگر، ما کسانی را می‌یابیم که در این مورد، تفسیر گسترده‌تری را ارائه داده و معتقدند که این یک وضعیت "نیازمند اقدام دفاعی فوری برای دفع موفقیت‌آمیز" یک حمله قریب‌الوقوع است؛ حتی اگر آن حمله (هنوز) "در شرف وقوع نباشد." (فاریوار و بردمیر، ۲۰۲۰). گزارشگر ویژه سازمان ملل آگنس کالامار در مورد اعدام‌های فراقانونی، یا خودسرانه، بیان می‌دارد: به نظر می‌رسد فرمول معروف کارولین، حد وسطی را ارائه می‌کند و پیشنهاد می‌کند که «یک دولت می‌تواند از خود در برابر یک حمله جاری و مداوم و همچنین حمله‌ای قریب‌الوقوع دفاع کند، جایی که حمله «فوری و طاقت‌فرسا است و هیچ وسیله‌ای و هیچ لحظه‌ای برای مشورت باقی نمی‌گذارد.» (کالامار، ۲۰۰۹).

با این حال، همه کارشناسانی که در مورد این قانون اظهار نظر کردند در مورد کافی بودن حقایق برای رسیدن به حتی آستانه تعیین شده توسط تفسیر گسترده از حق دفاع از خود به صورت پیش‌دستانه شک داشتند. میلانویچ صریحاً در این باره می‌گوید:

"اقدام علیه فرماندهی نیروی سپاه قدس... صریحاً غیرقانونی است. عدم ارائه هر گونه جزئیات خاص به صورت عمومی و عدم افشای اطلاعات توسط ایالات متحده که بر خلاف منافع ایالات متحده باشد، تردیدهای جدی در مورد اینکه آیا دلایل مختلفی که برای پوشش این اقدام تحت عنوان دفاع پیشگیرانه ارائه شده کافی بوده است، به وجود می‌آورد. به همین ترتیب، منطق بازدارندگی و پیشگیری برای توجیه ترور فرماندهی نیروی سپاه قدس، حتی اگر اصولاً انجام اقدام پیشگیرانه قابل قبول باشد، زیر بار شکست خود فرو می‌ریزد؛ شکستی که به راحتی قابل پیش‌بینی بود."^{۱۳}

۱. Farivar and Bredemeier

۲. Callamarad

۳. Milanovic (Jan. ۷), supra note ۱۹. See also O'Connell, supra note ۱۹; Haque, supra note ۱۹

موضوع دوم مربوط به این استدلال ایالات متحده است، مبنی بر اینکه این اقدام نظامی نه تنها برای دفاع پیشگیرانه در برابر حملات مسلحانه آینده بوده است، بلکه «در پاسخ به تشدید یک سری حملات مسلحانه در ماه‌های اخیر توسط جمهوری اسلامی ایران و شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران در مورد نیروها و منافع ایالات متحده در خاورمیانه بوده است. U.N. Doc. (S:۲۰۲۰).

به گفته مقامات آمریکایی، این شامل چندین حادثه در سال ۲۰۱۹ است: (۱) سرنگونی پهپاد آمریکایی MQ-۴ در ژوئن؛ (۲) تهدید برای یو اس اس باکسر توسط یک پهپاد ایرانی در ژوئیه؛ (۳) حملات موشکی متعدد توسط حزب الله (تحت حمایت نیروی قدس سپاه) علیه پایگاه‌های عراقی میزبان پرسنل آمریکایی در ماه نوامبر و (۴) تبادلات نظامی پیش‌گفته در خاک عراق (و سوریه) در دسامبر و (اوایل) ژانویه ۲۰۲۰. علاوه بر این، به گفته ایالات متحده، این سلسله حملات در چارچوب تهدیدهای دیگر علیه صلح بین‌المللی و امنیت توسط ایران، از جمله در برابر عربستان سعودی (از طریق نمایندگان یمنی آن) و تجارت بین‌المللی بوده است.

سؤال دیگر این است که آیا ایالات متحده حق داشت که در برابر یک حمله یا مجموعه‌ای از حملات که توسط نیروهای نیابتی ایران در عراق انجام می‌شد اقدام دفاعی کند. همه مفسران این موضوع را پذیرفته‌اند که طبق قوانین بین‌المللی یک کشور باید مسؤول اقدامات نماینده خود باشد. اکثر به ملاک‌های کنترل کامل و/ یا مؤثر به‌عنوان استانداردهای مربوطه (برای تعیین نمایندگی گروه‌ها از کشوری خاص) اشاره می‌کنند، اگرچه آخری به طرز گیج‌کننده‌ای به ملاک کنترل کلی نیز اشاره می‌کند که با توجه به این ملاک‌ها، نسبت دادن اقدامات یک بازیگر غیر دولتی به ایران (به‌عنوان حامی) توسط دیوان بین‌المللی دادگستری رد شده است. هاک و کالامار مشاوران سازمان امنیت، با تکیه بر لحن و زبان نامه‌ی توجیهی رسمی آمریکا به شورای امنیت سازمان ملل هر دو صراحتاً بیان می‌کنند که حملات «شبه نظامیان» را (حتی در صورت اثبات حمایت توسط ایران) نمی‌توان تنها بر این اساس به ایران نسبت داد. برخی دیگر از نویسندگان دیگر گفته‌اند که پیوند بین حزب الله و ایران از حمایت مادی صرف فراتر نرفته است. بنابراین، کلیه نویسندگان در مورد این جنبه از قانون توافق داشتند، با این حال مفسران در مورد اعمال آن بر مصادیق اختلاف نظر دارند؛ به عبارت دیگر درست است که این قانون اجازه‌ی اقدام به ایالات متحده می‌دهد، اما اقدامات ایران اصلاً از مصادیق (حملات مسلحانه مداوم و...) نبوده و نیست.

چهارمین و آخرین مسأله بر محل قتل فرمانده نیروی قدس سپاه متمرکز است: پایتخت عراق، بغداد. موضع مخالفان در این مورد توسط میلانوویچ به اختصار شرح داده شده است:

[هر گونه] توجیهی باید بتواند علیه ایران و عراق هر دو به کار رود، زیرا حمله در خاک عراق بدون موافقت دولت عراق صورت گرفته است. بر اساس تئوری‌های محدود کننده دفاع مشروع، چنین استدلالی درست نخواهد بود... عراق در هیچ حمله قریب‌الوقوع علیه ایالات متحده دخالت نداشته است. برای توسعه‌طلبان، این وضعیت مشابه دفاع از خود در برابر بازیگران غیردولتی خواهد بود؛ بر اساس یک نظریه ناخواسته یا ناتوان، استفاده از زور در قلمرو ایالتی که مهاجم در آن واقع شده است نیاز به توجیه لزوم فوریت توقف آن حمله دارد.

صاحب‌نظرانی که نظر به محدودیت در انجام این دست اقدامات دارند، اقدام نظامی علیه یک کشور را صرفاً به این دلیل که دولت آن در جلوگیری از استفاده از کشور خود به‌عنوان سکوی پرتاب برای عملیات مضر علیه دولت دیگر ناکام است را به شدت رد می‌کنند. حتی اگر ایالات متحده در استدلال دفاع مشروع برای اقدامی که علیه ایران انجام شده است، موفق باشد، به هیچ وجه نمی‌تواند اقدام در خاک عراق را توجیه کند. با این حال، گروه دیگر می‌پذیرند که «ملاک ناخواسته یا ناتوان» ممکن است یک مسیر توجیه‌کننده برای ایالات متحده باشد. به‌نظر می‌رسد دو نظر درباره‌ی این استدلال وجود دارد.

با توجه به این پرونده به گفته میلانوویچ آمریکا باید توجیهات خود را درباره‌ی مکان و زمان حمله ارائه کند و همچنین ثابت کند که نمی‌توانسته از دولت عراق (مثلاً به دلیل تباری با ایران) اجازه گرفته و همچنین (حمله به قدری فوریت داشته) که نمی‌توانسته منتظر موقعیت دیگری برای حمله باشد. هر دو لایه و میلانوویچ بر اساس شایستگی‌های خود (بی‌طرفانه) به این نظریه می‌پردازند، بدون اینکه از این طریق از آن حمایت کنند. اما در نهایت هر دو نتیجه می‌گیرند که با توجه به عواقب قانونی و/یا صرفاً به این دلیل که ایالات متحده نتوانسته بار اثباتی اقدام خود را بر عهده بگیرد، انجام آن را توجیه نکرده و هیچ کسی را راضی نمی‌کند.

به طور مشابه، گزارشگر ویژه کالامار خاطرنشان کرد که حمایت از دکترین کاملاً متفاوت است؛ اما با این وجود توسط دولت‌ها برای توجیه استفاده از نیروی نظامی استفاده شده است.

در مورد ترور فرماندهی نیروی قدس سپاه به سه دلیل این دکترین کاربرد ندارد: (۱) «تهدیدی» که باید خنثی شود، یک مقام عالی‌رتبه دولتی و مستعد سفرهای بین‌المللی است که نشان می‌دهد

که او می‌تواند در هر نقطه از جهان هدف قرار گیرد. (۲) بسیاری از حملات ادعا شده علیه ایالات متحده به عراق مربوط نمی‌شد و همچنین به‌نظر نمی‌رسید که عراق محل مورد نظر یا محل حمله‌ی قریب‌الوقوع بوده است. (۳) هیچ مدرکی مبنی بر ناتوانی یا عدم تمایل عراق به همکاری، با توجه به حمایت مستمر از مبارزه با دولت اسلامی (داعش) و عدم مشورت با آن قبل از حمله هوایی‌های بدون سرنشین، وجود نداشت.

در مجموع، مفسران در مورد اینکه آیا حق دفاع مشروع و اقدام نظامی در برابر حملاتی را که هنوز شروع نشده (یا حتی در شرف انجام آن نیستند) به‌وجود می‌آید، موافق نیستند؛ اگرچه هیچ‌کدام نپذیرفتند که ایالات متحده توانسته (حتی با تفسیر موسع) حمله خود را علیه فرماندهی نیروی قدس سپاه ایران توجیه کند. علاوه بر این، در حالی که برخی از آنها نظریه تعدد رویدادها را پذیرفته بودند، برخی دیگر از نویسندگان استدلال کردند که حملات پایان یافته و هیچ‌یک قریب‌الوقوع نبوده است؛ در حالی که برخی دیگر دقیقاً برعکس آن را استدلال می‌کنند. سپس گروه دوم در مورد اینکه آیا حملات گذشته به اندازه کافی به هم مرتبط است یا خیر، تا دکتترین در اینجا قابلیت اعمال پیدا کنند، اختلاف نظر داشتند. علاوه بر این، در مورد ماهیت رابطه بین حزب الله و ایران برای نسبت دادن اعمال اولی به دومی، تا احتمالاً از این طریق اقدام را توجیه کنند، اتفاق نظر وجود نداشت. در راستای تکمیل سخنان پیش گفته باید گفت، در مورد وضعیت و اصل ملاک ناخواسته یا ناتوان به‌عنوان بخشی از حق بر دفاع مشروع و همچنین در مورد اینکه آیا عراق این ملاک (توانایی و خواست انجام اقدامات) را داشته یا خیر، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد.

در نتیجه، علاوه بر توافق بر این واقعیت آشکار که دولت ترامپ در آوردن استدلال قانع‌کننده شکست خورده است، وکلای بین‌المللی نیز در ارزیابی خود و تطابق عمل با حق بر دفاع مشروع، به طرز ناامیدکننده‌ای اختلاف داشتند. همانطور که در پاراگراف‌های قبل گفته شد، تحلیل درست اغلب به تطبیق درست مصادیق با قانون بستگی دارد؛ بنابراین درک متفاوت از واقعیت که احتمالاً بر نتیجه نهایی تأثیر می‌گذارد تا حدی اجتناب‌ناپذیر است؛ به‌ویژه هنگامی که مفسران نظرات خود را در زمانی که داستان هنوز در حال گسترش است، ارائه می‌دهند.

با این حال، مسأله‌ی بسیار نگران‌کننده‌تر، میزان اختلاف نظر در مورد بسیاری از استانداردهای قانونی قابل اجرا است: آیا اقدام نظامی علیه حملات مسلحانه قریب‌الوقوع طبق قوانین بین‌المللی مجاز است؟ قریب‌الوقوع (به طور انحصاری) متشکل از یک عنصر زمانی یا بهتر بگوییم

(همچنین) شامل جنبه‌های ضرورت و علیت است؟ آیا قریب‌الوقوع بودن به همان شکل برای دفاع از خود در برابر یک حمله مسلحانه در مقایسه با یک سری حملات با معیار سوزن سوزن مفهوم سازی شده است، یا «ساعت» قانونی کندتر تیک می‌زند؟ در چه نقطه‌ای از پیوستگی باید چنین سری از حملات را به‌طور یک کل نگریم؟ و در مورد ملاک ناخواسته یا ناتوان به‌عنوان بخشی از حق دفاع از خود: آیا این ملاک در یک موقعیت سه جانبه، بین دو دولت و یا علیه بازیگران غیردولتی اعمال می‌شود؟

برای هیچ‌یک از این سؤالات پاسخ روشنی به دست نیامده است و به این ترتیب، تحلیل‌های حقوقی در این پرونده بدون اینکه نشانی از چگونگی ارزیابی اختیارات مربوطه داشته باشند، ارائه شده‌اند. همانطور که در زیر نشان داده خواهد شد، این تصویر زمانی که به بخش‌های دیگر حقوق بین‌المللی منشعب می‌شود، مبهم‌تر خواهد شد.

۲-۵. نقض قوانین و مقررات حقوق بین‌الملل بشر از طریق حمله تروریستی با هواپیماهای بدون سرنشین

همانطور که کریستوف هینز، گزارشگر ویژه سابق سازمان ملل در امور فراقانونی، یا اعدام‌های خودسرانه به درستی اشاره کرد: «برای اینکه یک حمله هواپیمای بدون سرنشین خاص طبق قوانین بین‌المللی قانونی باشد، باید تحت تمام رژیم‌های حقوقی بین‌المللی قابل اجرا بوده و شرایط قانونی را برآورده کند.»^۱

پس از قانون رفتن به جنگ (دفاع مشروع) که در بخش قبل در مورد آن بحث شد، در مورد قانون جنگ (حق بر جنگ)، بسیاری از مفسران به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که آیا حملات هواپیماهای بدون سرنشین که منجر به ترور فرمانده نیروی قدس سپاه شد، باعث درگیری مسلحانه بین‌المللی (یا ادامه یافتن آن) بین ایالات متحده و ایران/عراق نیز شده و بنابراین در ادامه تحت قانون جنگ مدیریت خواهد شد؟ با توجه به اینکه حمله در زمان صلح انجام شده، پس این سؤال مطرح می‌شود که آیا ایالات متحده حقوق بشر بین‌المللی را با ترور حداقل ۱۰ نفر، حتی اگر استفاده از نیروی مرگبار در خارج از قلمرو آمریکا رخ داده باشد، نقض کرده است یا خیر؟

باز هم دیدگاه‌های گوناگونی در بین کارشناسان وجود داشت. شاید ساده‌ترین آن‌ها این بود که حملات خود به خود، آغازگر یک درگیری مسلحانه بین‌المللی است و بنابراین تحت قوانین زمان

۱. Report of the special Rapporteur, ۲۰۱۳

جنگ مورد بررسی قرار می‌گیرد. این از به اصطلاح "قاعده شلیک اول" ناشی می‌شود که تجویز می‌کند که "برخلاف جایی که درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی نیست، باید ثابت شود که خصومت‌ها به آستانه‌ی شدت خاصی رسیده است که برای آغاز یک درگیری مسلحانه بین‌المللی کافی است".^۱

گروه کارشناسانی که حملات را تحت قانون جنگ بررسی می‌کنند، تصور می‌کنند (یا حداقل این احتمال را رد نمی‌کردند) که درگیری بین‌المللی از زمان آغاز حملات علیه نیروها و تأسیسات آمریکایی در عراق در نوامبر ۲۰۱۹ ادامه دارد.

کورتن، لاگروال، کوترولیس و دوپیسون بیان داشتند: «اگر حملات بر خلاف قانون مخاصمات مسلحانه باشد، پس محروم کردن «خودسرانه» فرد از زندگی (ترور) نیز بر خلاف ماده ۶ از میثاق حقوق مدنی و سیاسی است.^۲ با این حال، برخلاف همکاران خود، آنها به این نتیجه رسیدند که حملات ممکن است در مخالفت با حق بر جنگ باشد: (۱) هیچ جنگجوی دشمن را نمی‌توان به‌طور خیانتکارانه از طریق «ترور» کشت.» (۲) فرمانده نیروی قدس سپاه احتمالاً در مذاکرات ایران و عربستان سعودی با میانجیگری عراق شرکت داشته است. اگر این حرف درست باشد، با توجه به وضعیتش به‌عنوان نماینده‌ی سیاسی، تحت مصونیت قرار می‌گرفته است. اگر هر یک از این سناریوها درست باشد، این اقدام شامل حق بر جنگ نیست و قوانین بین‌المللی در این باره نقض شده است.^۳

سایر مفسران از این چارچوب راضی نیستند؛ به‌عنوان مثال، جانیک این نظریه را پذیرفت که حتی کشتارهای هدفمند می‌توانند با تعریف درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی (فوق کوتاه) مطابقت داشته باشند. اما با تکیه بر نظر جان کلفنر، می‌توان گفت که این امر باعث اعمال قانون حق بر جنگ نمی‌شود: «فقط بعد حفاظتی اصل تمایز - ممنوعیت هدف قرار دادن مستقیم غیرنظامیان - باید در مورد موقعیت‌های کشتار نیروهای مسلح یک دولت خارجی نیز اعمال شود.»^۴

۱. Corten & others, supra note ۱۹, at ۱۶. See also Corn & Jenks, supra note ۱۹

۲. Corten & others, supra note ۱۹, at ۱۸-۲۱ (specifically ۲۱).

۳. Corten & others, supra note ۱۹, at ۲۰-۱. See also: Customary (IHL Database – Rule ۶۷)

۴. Janik (Part II), supra note ۱۹.

نکته مهم این است که اقدامات کشنده را نمی‌توان بر اساس ضرورت نظامی یا تناسب آن با موقعیت مشروعیت بخشید. بر همین اساس جانیک به این نتیجه رسیده است که آمریکا حقیقتاً «حق بر حیات فرماندهی نیروی قدس سپاه را نقض کرده است».

در نهایت، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در نظر گرفت که در مجموع، حق بر جنگ به هیچ وجه در این خصوص اعمال نمی‌شود: «ایالات متحده و ایران قبل یا بعد از حمله و در زمان وقوع آن در یک جنگ مسلحانه درگیر نبوده، ضمن اینکه حمله در یک محیط غیرنظامی در منطقه‌ای خارج از خصومت و در یک کشور غیر متخاصم انجام شده است.»^۱ سپس به این نتیجه رسید که پس از در نظر گرفتن «چالش‌های» متعدد برای قاعده‌ی اولین تیراندازی: (۱) با در نظر گرفتن تمام حوادث بین ایران (شبه نظامیان مورد حمایت ایران) و ایالات متحده، مشخص نیست که آیا ده‌ها حمله‌ی مسلحانه بین این دو کشور وجود دارد یا یک حمله (ادامه‌دار) یا هیچ کدام؛ (۲) بیشتر مفسران نهادی و فردی، از برچسب زدن تنش‌های بین ایران و ایالات متحده به‌عنوان یک درگیری مسلحانه تمام عیار خودداری کردند- همانطور که خود دولت‌ها چنین کردند. (۳) محدوده جغرافیایی حملات و عوامل اجرایی آن نامشخص بودند.

کالامار معتقد بود که استفاده از یک پهپاد برای از بین بردن یک فرد در خارج از کشور «تمرین نهایی قدرت فیزیکی و کنترل بر افراد است.»^۲ در نتیجه، ایالات متحده باید به تعهدات حقوق بشری خود متعهد می‌بود، حتی اگر این اقدام در خاک عراق رخ داده باشد. علاوه بر این، او موافقت کرد که یک ترور پرخاشگرانه لزوماً خودسرانه است.^۳ در نتیجه، "اقدامی که ایالات متحده اتخاذ کرد، غیرقانونی بود."

همچنان اختلاف بین مفسران تعجب‌انگیز است، همه موافق بودند که برای قانونی بودن حمله به فرمانده نیروی قدس سپاه هیچ‌گونه رژیم حقوقی قابلیت اجرایی و توجیهی نداشت. با این حال، برخی فکر می‌کردند که جواب فقط در دفاع مشروع و حق بر جنگ پیدا می‌شود؛ در حالی که دیگران پاسخ را منحصرراً در قوانین بین‌المللی حقوق بشر می‌دانستند.

۱. Callamard, supra note ۱۹, at § ۳۹

۲. Compare with Talmon & Heipertz, supra note ۷۰

۳. at § ۴۴ (compare with Gurmendi, supra note ۷۸). For further analysis under IHRL, see *id.*, at §§ ۴۵-۵۳.

۳-۵. ترور های هدفمند توسط هواپیماهای بدون سرنشین و قوانین بین‌المللی

در بیست سال گذشته، تعدادی از کشورها از جمله بریتانیا، ایالات متحده و همچنین ناتو در عملیات نظامی خود از هواپیماهای بدون سرنشین استفاده کرده است. پهپادها هم از نظر نظامی مهم هستند؛ زیرا آنها می‌توانند دشمنان را بدون به خطر انداختن جان نیروهای خودی از هزاران مایل دورتر بکشند. از زمان حملات ۱۱ سپتامبر، دولت‌های مختلف ایالات متحده در دوره ریاست جمهوری بوش، اوباما و ترامپ در "جنگ علیه ترور" خود از پهپادها برای کشتار هدفمند در مکان‌هایی مانند افغانستان، عراق و یمن استفاده کرده‌اند. به‌طور کلی، ممکن است یک ترور هدفمند را اینگونه تعریف کنیم:

«استفاده عمدی، پیش برنامه‌ریزی شده از نیروی کُشنده توسط دولت‌ها یا عوامل آنها تحت پوشش قانون، یا توسط یک گروه مسلح سازمان یافته در درگیری مسلحانه، علیه فرد خاصی که در بازداشت فیزیکی فرد مرتکب قرار ندارد.» (آلستن، ۲۰۱۰).

چیزی که این ترور را از حملات هواپیماهای بدون سرنشین قبلی آمریکا متفاوت می‌کند، این واقعیت است که فرمانده نیروی قدس سپاه یک مقام رسمی دولتی بود و نه یک بازیگر غیر رسمی، مانند اسامه بن لادن و ابوبکر البغدادی و یا رهبر داعش. نانسو پلوسی سخنان مجلس نمایندگان آمریکا مدعی شد که ترور فرمانده نیروی قدس سپاه ایران می‌تواند قابل مقایسه با مایک پنس، معاون رئیس جمهور آمریکا باشد. به‌طور کلی استفاده از پهپادها مورد انتقاد شدید قرار گرفته است؛ زیرا پهپادها نیز با وجود دقت بالای آنها باعث کشته شدن تعداد زیادی از غیرنظامیان بی‌گناه شده‌اند.

تخمین زده شده که هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی ۲۱۸۱ غیرنظامی را در افغانستان، پاکستان، سومالی و یمن از ۲۰۰۴ تا مارس ۲۰۲۰ کشته‌اند. دیگر نگرانی که در مورد استفاده از پهپادهای مسلح برای هدف قرار دادن انسان‌ها ادعا شده است، این است که ذهنیت «پلی استیشن» یا «فشار دکمه» را برای اپراتور ایجاد می‌کند که به موجب آن اپراتورها این را در نظر نمی‌گیرند که انسان‌ها را هدف قرار می‌دهند و این به دلیل موقعیت جغرافیایی و فاصله روانی است که جان انسان‌ها صرفاً روی صفحه نمایش دیده می‌شود.

سازمان‌های حقوق بشری از حملات پهلپادها انتقاد کرده و گفته‌اند ممکن است در برخی موارد استفاده از این پهلپادها به قتل‌های فراقانونی و جنایات جنگی تبدیل شود. جفری رابرتسون، وکیل حقوق بشر می‌گوید: «حملات هواپیماهای بدون سرنشین علیه هر انسانی بر خلاف قانون است.» او پنتاگون را به محکوم کردن مخفیانه افراد به مرگ به خاطر یک جنایت اثبات نشده متهم می‌کند. همانطور که گزارشگر ویژه سازمان ملل اگنس کالامار در مورد اعدام‌های فراقضایی، گفته است: «خارج از اصل خصومت‌های موجود، استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین یا وسایل دیگر برای کشتار هدفمند تقریباً هرگز به صورت مجاز امکان‌پذیر نیست»^۱.

با این حال، کارشناسانی مانند پروفیسور حقوق بین‌الملل، کنت اندرسون نیز وجود دارند که بسیاری از ایرادات اخلاقی و قانونی پهلپاد را رد می‌کند و آن را به‌عنوان ابزاری مؤثر در راهبرد ضد تروریسم آمریکا می‌دانند.

لازم به تأکید است که قوانین بین‌المللی، قتل‌های هدفمند توسط هواپیماهای بدون سرنشین را تا زمانی که معیارهای قانونی خاصی رعایت نشده است، ممنوع اعلام نکرده‌اند. در مورد ترور فرمانده نیروی قدس سپاه، ابتدا باید چارچوب قوانین قابل اجرا را شناسایی کرد که ممکن است تحت عنوان به اصطلاح دفاع از خود (شرایطی که تحت آن دولت‌ها ممکن است به جنگ یا به‌طور کلی استفاده از نیروی مسلح متوسل شوند یا حق بر جنگ (مقررات رفتار طرفین درگیر در درگیری مسلحانه) توجیه شود.

نتیجه‌گیری

در نبود هیچ نوع مخاصمه مسلحانه‌ای میان دولت آمریکا و ایران در زمان حمله به فرمانده نیروی قدس سپاه که باید مورد تأکید جدی دولت ایران قرار بگیرد، قواعد حقوق بشر به‌عنوان ضوابط عمومی‌حاکم در زمان صلح، معیار ارزیابی حمله مسلحانه صورت گرفته است. در اینجا، آنچه رخ داده، وقوع یک قتل و ترور و کشتن عامدانه است. حق حیات از حقوق بنیادین بشر است که منزلت آن در هندسه حقوق بشر بی‌نیاز از توضیح است. سلب حق حیات به‌صورت فراقضایی و خود سرانه ممنوع بوده و نقض فاحش حقوق بشر به‌شمار می‌آید.

۱ . <https://twitter.com/agnescallamard/status>

البته سلب حیات به مثابه یک مجازات و متعاقب آن انجام یک دادرسی منصفانه می‌تواند قانونی قلمداد شود. چنانکه کشتن دیگری در مقام دفاع مشروع نیز با حصول شرایطی جایز است. در چارچوب همین قاعده و استثنائات آن است که می‌توان هدف قراردادن شهید سلیمانی را به ارزیابی نشست. اقدام دولت آمریکا در هدف قراردادن فرمانده نیروی قدس سپاه یک «ترور هدفمند» بوده که بنا بر اظهارات مقامات آمریکایی با طراحی قبلی انجام شده است. ترور هدفمند راهبردی است که بر اساس این شیوه، رژیم آمریکا به صورت سازمان یافته و بدون دستگیری و محاکمه اقدام به حذف فیزیکی آن‌ها می‌کند. این اقدام به دلیل آنکه جایگزینی برای دستگیر کردن و محاکمه یک فرد و مراعات حق دفاع او غیر قانونی بوده و مصداق کشتن و ترور فراقضائی است که از نقض فاحش حقوق بشر است. علاوه بر نقض حق حیات یک فرد، بسیاری از اصول بنیادین حقوق بشر نیز با ترور هدفمند نقض می‌شود.

دولت‌ها در مورد انتخاب شیوه‌ها و ابزارهای جنگی آزاد نیستند. اولین محدودیت وارده بر این انتخاب، اعمال اصل تفکیک بین نظامیان و غیر نظامیان و هدف‌های نظامی و غیر نظامی است. حقوق بین‌الملل بشر دوستانه استفاده از سلاح‌ها، موشک‌ها، مواد و روش‌های جنگی را که باعث ایجاد جراحت‌های شدید و درد و رنج بسیار شود، ممنوع کرده است. به نظر می‌رسد هواپیماهای بدون سرنشین، ذاتاً جزء سلاح‌هایی نیستند که به صورت کورکورانه عمل کنند و باعث ایجاد درد و رنج بسیار شوند؛ از این رو نمی‌توان بیان داشت که این ابزار مدرن جنگی بر طبق قواعد حقوق بین‌الملل ممنوع گشته‌اند. شکی نیست که در زمان صلح، استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در راستای عملیات قتل هدفمند در پاکستان، افغانستان و... و بدون رضایت این کشورها، نقض آشکار قاعده آمره حقوق بین‌الملل یعنی اصل عدم تجاوز است. در نتیجه بر طبق قواعد حقوق بشر دوستانه تنها استفاده خاصی از این هواپیماها است که می‌تواند مسائل حقوقی چالش برانگیزی را مطرح سازد. یکی از این مسائل، ترور هدفمند با استفاده از چنین هواپیماهایی است.

آمریکا با هدف قراردادن فرمانده نیروی قدس سپاه در قالب یک عملیات تروستی هدفمند نه تنها مرتکب یک قتل فراقضائی شد، بلکه خود را از بار مسؤلیت سنگین اثبات اتهامات پردامنه‌ای که به آن سردار شهید وارد کرد نیز مبرا کرد. ناروایی اقدام آمریکا تا آن حد آشکار است که به فاصله اندکی بعد از ترور فرمانده نیروی قدس سپاه، دکتر «کالامارد»، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد، درباره ترورها و قتل‌های فراقضائی و خودسرانه، در رشته توییتی حمله پهنادی آمریکا را

به دلیل آنکه خارج از زمان مخاصمه جنگی واقع شده است، مصداق ترورها و قتل‌های خودسرانه و قابل تحقیق رسمی دانست.

در نهایت می‌توان گفت هیچ کشوری، هیچ یک از فرماندهان نظامی یک دولت را نمی‌تواند ترور کند؛ حتی اگر آنها مرتکب اعمال خصمانه‌ای علیه دولتی (در اینجا آمریکا) نیز شده باشند؛ در این موارد دولت متبوع آنها، دارای مسئولیت بین‌المللی خواهد بود و آمریکا به هیچ وجه حق ندارد به زعم خود، عدالت را در مورد قربانی اجرا کند. در غیر این صورت روابط بین‌المللی دچار هرج و مرج شده و خطر بی‌ثباتی و جنگ در میان دولت‌ها گسترش می‌یابد. بنابراین ترور هدفمند فرمانده نیروی قدس سپاه محکوم است و با هیچ یک از قواعد و ابزارهای بین‌المللی قابل توجیه نیست.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- زمانی، سید قاسم و سلمانی، لیلا (۱۴۰۰). فرمانده نیروی قدس سپاه در محک شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد. انتشارات پژوهشکده حقوقی، چاپ اول.
- سرتیپی، حسین؛ بردبار، احمدرضا و موسی‌زاده، محمد (۱۳۹۱). بررسی و نقد ترور هدفمند، مبارزه با تروریسم و حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۴ (۳۸).
- زمانی، سید قاسم (۱۳۹۸). ترور سردار، موشک‌باران عین‌الاسد، سرنگونی هواپیمای بوئینگ ۷۳۷: مثلی در ترازوی حقوق بین‌الملل. نشریه داخلی مرکز مطالعات حقوق بین‌الملل مدرن، ۴ (۱۵).
- عبداللهی، محمدعلی (۱۴۰۰). گزارش سالانه (۲۰۲۰) گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر در خصوص قتل‌های فراقضایی، بدون محاکمه منصفانه و خودسرانه، در «مجموعه مقالات سال ۱۳۹۹، تالار گفتگوی حقوقی-سیاسی بین‌المللی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد» به کوشش پوریا عسکری، اردیبهشت ۱۴۰۰.
- عزیزی، ستار (۱۳۹۹). قتل هدفمند از نگاه حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی ایالات متحده آمریکا: مطالعه موردی ترور فرمانده نیروی قدس سپاه. فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۶ (۲).
- کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد (۱۳۹۴). حمایت بین‌المللی از حقوق بشر در مخاصمات مسلحانه. ترجمه و تحقیق آرمن طلعت، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- محمدی، فاطمه (۱۳۹۴). بررسی تعاملات جمهوری اسلامی ایران با شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، از ۱۳۸۴ تاکنون. مجله حقوق بشر، ۱۰ (۱)، ۴۸-۲۵.

ب. منابع انگلیسی

- A/HRC/۴۴/۳۸, Human Rights Council, Forty-fourth session, (۲۰۲۰). Extrajudicial, summary or arbitrary executions Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, (۱۵ June-۳ July ۲۰۲۰).
- Callamard, supra note (۲۰۰۹). ۱۹, at § ۵۲; Christopher Greenwood, Caroline, The, MAX PLANCK ENCYCLOPEDIA OF PUBLIC INTERNATIONAL LAW (Apr. ۲۰۰۹)
- Djmalov F (۲۰۰۸). Targeted Killing Under International Sui Generis Framework, a Master of Thesis, University of Toronto.
- <https://www.yjc.news/fa/news/۶۳۳۱۳۳۴>.
- Masood Farivar & Ken Bredemeier, (۲۰۲۰). US Attorney General Calls Imminence of Iranian Threat 'a Red Herring', VOA NEWS (Jan. ۱۳, ۲۰۲۰). <https://www.voanews.com/middle-east/voa-news-iran/us-attorney-general-calls-imminence-iranian-threat-red-herring>.
- P. Alston, (۲۰۱۰). Report of the Special Rapporteur on Extrajudicial, Summary or Arbitrary Executions, Addendum, 'Study on targeted Killings,' UN Human Rights Council, U.N. Doc. A/HRC/۱۴/۲۴/Add. ۶ (May ۲۸, ۲۰۱۰).
- Solis G, (۲۰۰۷). Targeted Killing and the Law of Armed Conflict, Naval War College Review, ۲۰۰۷.